

گفته‌ها

کاستی‌های تاریخ‌نگاری مشروطه

● در ۱۴ مرداد۱۲۸۵ شمسی مبارزات آزادی‌خواهانه مردم ایران در قالب انقلاب مشروطه به بار نشست. خبرگزاری ایبنا درباره منابع به‌جای‌مانده از آن دوران و پژوهش‌های جدید با منصوره اتحادیه (نظام‌مافی) گفت‌وگویی انجام داده که در ادامه بخش‌هایی از پاسخ‌های او را می‌خوانید.

■ ■ ■

■ یکی از مهم‌ترین منابع انقلاب مشروطه «شب‌نامه»‌هایی است که در آن دوران منتشر می‌شد. روی این شب‌نامه‌ها کار چندان‌ی نشده، در صورتی که نقشی اساسی در پیشرفت انقلاب مشروطه دارند. اگر اشتباه نکنم مجموعه‌ای از این شب‌نامه‌ها در مرکز اسناد ملی ایران وجود دارد. ناظم‌الاسلام کرمانی هم تعدادی از این شب‌نامه‌ها را در «تاریخ بیداری ایرانیان» جمع‌آوری کرده بود. این شب‌نامه‌ها جوسازی می‌کردند و نویسندگان آنها افراد متعددی بودند. تصور می‌کنم بسیاری از روزنامه‌نگاران که نمی‌توانستند در روزنامه‌های خود آزاد بنویسند این شب‌نامه‌ها را نوشته‌اند. قاعداً محتوای بسیاری از آنها تند است. مثلاً در یکی از این شب‌نامه‌ها داریم که خطاب به درباریان و مخالفان مشروطه می‌گوید که «شما به نوکران و پیشخدمت‌های خود اطمینان دارید که شب سر تان را ببرند؟» جمله کاملاً انقلابی است. در انقلاب‌هایی که در کلام خطای مشروطه هست، بسیاری از جمله‌های ملک‌خان است. متفکر و آزادی‌خواه دیگر سیدجمال‌الدین اسدآبادی است. او بسیار زود امپریالیسم را درک کرد و نسبت به خطرات آن هشدار داد. در درجه سوم هم روزنامه‌ها به‌ویژه «روزنامه اختر» را نام می‌برم که بسیار تأثیرگذار بود. هم‌زمان ملک‌خان هم در لندن «روزنامه قانون» را منتشر می‌کرد که این هم مهم و تأثیرگذار بود. البته باید بررسی کرد که حرف‌های او را چند نفر می‌فهمیدند و روزنامه‌اش به دست چه کسانی می‌رسید. او چند رساله هم نوشت و به دربار فرستاد و روزنامه‌اش هم چند نسخه‌ای به ایران می‌رسید و تکثیر می‌شد و به دست عده محدودی می‌رسید، اما روزنامه اختر سال‌ها منتشر می‌شد و مخاطبان بسیاری داشت. تاجران مخاطب آن بودند و سیاستمداران. گاهی هم زنان آن را می‌خواندند. در میان دیگر روزنامه‌ها از همه بیشتر تفکرات اندیشمندان مهم در روزنامه اختر منعکس است. درباره این روزنامه مطالعه شده، اما تأثیر آن در انقلاب مشروطه مغفول مانده. حتی درباره نامه‌هایی که مردم برای این روزنامه می‌فرستادند و آن منتشر می‌شد نیز مطالعه نشده. این نامه‌ها هم از داخل ایران و هم از میان ایرانیان خارج از کشور برای روزنامه اختر فرستاده می‌شد و نشان از افکار عامه و استقبال مردم از این روزنامه است. به این دلیل و البته طولانی‌بودن مدت سال‌های انتشار این روزنامه، باید اهمیت و تأثیر آن را در انقلاب مشروطه بررسی کرد.

■ نقش علما در مشروطه بسیار مهم است. اندیشمندان و روشنفکران آزادی‌خواهی را مطرح می‌کردند و گزارش‌تحولات جهانی را در حوزه سیاست می‌دادند، اما کسانی که می‌توانستند حرف بزنند و مردم را تهییج کنند علماً بودند. بنابراین مساجد، حسینیه‌ها و منابر اهمیت بسیاری دارند که متأسفانه ما درباره این موضوعات نیز مطالب کم داریم. سیدجمال واعظ، به دلیل آنکه همیشه جاسوسی او را دنبال و سخنرانی‌هایش را یادداشت می‌کرد و در روزنامه «ندای وطن» هم سخنرانی‌های او منتشر می‌شد بسیار نقش موثری داشت. سخنرانی‌های او موجود است و در کتاب «شهید راه آزادی» هم منتشر شده. مثلاً جایی می‌گوید که «شما هیچکدام که متوجه نمی‌شوید من چه می‌گویم، زنان حاضر هم متوجه نمی‌شوند، اما استعمار به مانند آن است که سهم ارث بچه یتیمی را شوره‌رنه بخورد». مردم عادی که حرف‌های روشنفکران یا نظریات مارکسیست را که متوجه نمی‌شدند، اما این تعریف عامیانه از استعمار را متوجه می‌شوند. بنابراین به نظر من این علما بودند که تفکر آزادی‌خواهی و حریت را در میان مردم رواج دادند و مفاهیم را برای آنها ساده کرده و مردم را به حرکت درآوردند.

■ پس از گذشت صد سال هنوز وقایع شهرهای کشور در دوران مشروطه را نمی‌شناسیم. مثلاً نمی‌دانیم چه فرقی بین مازندران و گیلان وجود داشت؟ چرا گیلان انقلابی شد و مازندران خیر؟ یا در کرمان و خوزستان چه اتفاقاتی رخ داده؟ یا اینکه در شیراز اصلاً علیه حکومت پسر شاه تظاهرات کردند نه برای مشروطه. ما در انقلاب مشروطه از شهرهای تهران، تبریز، برخی شهرهای گیلان و مقداری هم از اصفهان (به‌خاطر طایر السلسطان) خبر داریم. اما برای شناخت جریان مشروطه در دیگر شهرها مشکلات بسیار داریم. در کرمانشاه هم که وضعیت متفاوتی در جریان بود. من روی اسناد کرمانشاه در زمانی که عبدالحسین میرزا فرمانفرما حاکم آنجا بود، کار کردم. این اسناد مربوط به دو سال قبل از مشروطه است. اگر نامه‌هایی را که مردم به حاکم نوشته‌اند مطالعه کنید می‌بینید چه وضعیتی بود، اصلاً خبری از مشروطه‌خواهی نیست. در آنجا برای دزدیده‌شدن گاوی در یک ده، پنج نفر کشته می‌شوند و ده را آتش می‌زنند. حمله‌هایی صورت می‌گیرد و خوانبانی گروگان گرفته می‌شوند. هرچند در همان دوران در تهران جریان‌های مشروطه‌خواهی به راه است و انقلاب می‌شود، در کرمانشاه انکار قرون وسطی است. به همین دلیل است که می‌گویم اطلاعات ما از مشروطه محدود به چند شهر و چند شخصیت می‌شود و زمان زیادی لازم است تا دیگران را هم بشناسیم.

گزارشی از وقایع‌نگاری و تاریخ‌نگاری‌های عصر مشروطه

سه نسل از تاریخ‌نگاران مشروطه



گروه اندیشه: صد و اندی سال از انقلاب مشروطه می‌گذرد. درباره مشروطه و وقایع منتهی به نخستین انقلاب ایران در دوره مدرن بسیار گفته و نوشته‌اند. از روزهای نخست واقعه تا همین امروز تاریخ‌نگاری مشروطه همچنان ادامه دارد؛ از مورخان نخستین که با نگاهی از سر شگفتی و تحسین به مجاهدان و مبارزان مشروطه می‌پرداختند تا گرایش غالب بعدی که دیدگاه انتقادی به مشروطه و مشروطه‌خواهان داشت و بعدها نیز تاریخ‌نگاران اجتماعی که با رویکرد «تاریخ از پایین» می‌کوشند انقلاب مشروطه را در زمینه و زمانه خود بسنجند و بسترهای مادی و نقش مردم را در تحولات جامعه عصر مشروطه نشان دهند. بی‌تردید فهرست‌کردن عناوین نوشته‌هایی که مستقیم یا غیرمستقیم به جنبش مشروطه‌خواهی و ریشه‌های شکل‌گیری آن در تاریخ معاصر پرداخته‌اند و نوشتن توضیح مختصری بر این نوشته‌ها که بالغ بر هزار جلد کتاب و تعداد بیشتری مقاله، سخنرانی، پایان‌نامه و دیگر آثار تحقیقی است، خود در قالب کتابی حجیم می‌گنجد که برخی محققان پیش‌تر انجام داده‌اند. ازاین‌رو، در اینجا به بهانه سالگرد مشروطه، به تسامح تاریخ‌نگاران مشروطه در سه نسل مرور می‌شوند؛ نسلی که شاهدان واقعه بودند، نسل دوم بعد از مشروطه آمدند و تاریخ‌نگاری را جای وقایع‌نگاری گذاشتند. آنها به لحاظ زمانی نزدیک به واقعه بودند و با روش‌شناسی علمی کار تاریخ‌نگاری را پیش بردند. نسل سوم را نیز در ادامه نسل دوم، و فقط به لحاظ زمانی، به صورت کلی می‌توان تاریخ‌نگاران اجتماعی نامید. در ادامه گزارش مختصری ارائه می‌شود از برخی مورخان هر نسل.

۱- نسل اول: شاهدان واقعه

محمد ناظم‌الاسلام کرمانی: از جمله اولین و مهم‌ترین تاریخ‌نگاران انقلاب مشروطه همزمان با وقوع آن ناظم‌الاسلام کرمانی است. کتاب «تاریخ بیداری ایرانیان» او روایتی است دست‌اول از حوادث مشروطه اول و دوم. «تاریخ بیداری ایرانیان» کتابی مبتنی بر خاطره‌نگاری است از رویدادهای مختلف پیش از مشروطه تا بعد از فتح تهران و آغاز مشروطه دوم. ناظم‌الاسلام کرمانی، راوی خاطرات، از یادداشت‌ها را به صورت پاوقری در روزنامه کوپک که خود منتشر می‌کرد به چاپ رساند. این کتاب یادداشت‌های اوست در شش جلد که در دو مجلد تنظیم شده. «تاریخ بیداری ایرانیان» را در دهه ۱۳۲۰ علی‌اکبر سعیدی سیرجانی تصحیح و به همت نشر نیلوفر منتشر کرد. ناظم‌الاسلام در مقدمه کتاب خود به عضویت خود در بزگان و مشروطه‌خواهایی چون شیخ احمد روحی و میرزا آقاخان کرمانی و نیز شرح حوادث مهمی چون واقعه رژی، نامه‌های میرزا شیرازی و ناصرالدین‌شاه درباره این واقعه و تلگراف‌های مبادله‌شده و سپس حالات میرزا رضا کرمانی و صورت بازجویی او می‌پردازد. با وجود انتقاداتی که به دقت علمی کتاب و برخی رویدادنگاری‌ها به کتاب وارد شده که البته مختص شتاب رویدادها در زمان انقلاب است، این کتاب به یکی از مهم‌ترین مراجع در زمینه تاریخ‌نگاری مشروطه برای کتاب‌های بعدی بدل شد.

یحیی دولت‌آبادی: از مهم‌ترین رجال سیاسی عصر مشروطه و دوران پس از آن او اولین حکومت رضاشاه یحیی دولت‌آبادی است که منصب‌های سیاسی مختلفی ازجمله چندبار نمایندگی مجلس شورای ملی را در مقاطع متعدد تجربه کرد. او که در بیشتر محافل سیاسی روشنفکری نقش داشته خطرات خود را در کتابی به نام «حیات یحیی» منتشر کرده که در کنار کتابی بیداری ایرانیان» در زمره اسناد مهم در انقلاب مشروطه است. دولت‌آبادی حوادث تاریخی ایران را از اواسط حکومت ناصرالدین‌شاه تا کودتای ۱۲۹۹ رضاخان و تسخیر قدرت از سوی او پی‌رده روایت و تحلیل کرده است. این کتاب به مدت ۲۵ سال در فهرست کتب ممنوع‌الانتشار قرار گرفت. مجلد اول قسمتی مشتمل بر گزارش از ایام

جوانی و دوران تحصیلی نویسنده و بقیه آن تاریخ تاسیس و ایجاد فرهنگ نوین ایران است. جلد دوم و سوم حوادث مربوط به مشروطه و فعالیت‌های خود نویسنده را در برمی‌گیرد و جلد چهارم به مهاجرت ملیون در اوایل جنگ جهانی اول تا انقراض سلطنت قاجاریه و دوران پادشاهی رضاخان اختصاص دارد. **محمدباقر ویجویه:** ازجمله تاریخ‌نگارانی که وقایع دوران مشروطه را از تبریز، مهد مشروطه‌خواهی، گزارش کرده محمدباقر ویجویه است. «تاریخ انقلاب آذربایجان و بلوای تبریز» او شرح محاصره ده‌ماهه تبریز (در سال ۱۲۸۸ شمسی) و مبارزات ستارخان و باقرخان با نیروهای استبداد است. کتاب با نقاشی‌هایی از صحنه‌های درگیری با محلات مختلف شهر آراسته شده که توضیح‌جانی دارند، اما فاقد نام نقاش‌اند. همچنین حاوی مطالب مهمی است از جمله شورش تهران در جمادی‌الآخر ۱۳۲۴، عزیمت علما به قم و تحصن مردم در خانه وزیرمختار انگلیس، صدور فرمان مشروطه، درگذشت مظفرالدین شاه و به سلطنت رسیدن محمدعلی شاه، به توپ بستن مجلس و مسجد سپهسالار و شروع جنگ از ۲۳ جمادی الاولی ۱۳۲۶ در تهران و تبریز، فعالیت‌های باقرخان در خیابان و ستارخان در امیرخیز، یادداشت‌های روزانه از وقایع تبریز که بیشترین صفحات را دربردارد، پیروزی مشروطه‌خواهان در شانزده رمضان، و شرح برقراری آرامش نسبی و اصلاحات مشروطه‌خواهان در تبریز و مرند و دیلمقان و خوی.

مهدی ملک‌زاده: یکی دیگر از تاریخ‌نگارانی که چند سال پس از مشروطه اقدام به نوشتن تاریخ مشروطه کرد مهدی ملک‌زاده است. ملک‌زاده قس‌رزند ملک‌المکملین از بزرگ‌ترین مشروطه‌خواهان بود و به همین دلیل از نزدیک در جریان بسیاری از وقایع قرار داشت. او در مشروطه دوم نیز از هواداران حزب دموکرات بود و با بزرگان این حزب نشست و برخاست داشت. کتاب هفت‌جلدی ملک‌زاده که «تاریخ انقلاب مشروطه» نام دارد هرچند چندان مورد توجه نبوده لیکن همچنان یکی از منابع مهم تحقیقاتی درباره انقلاب مشروطه به شمار می‌رود. ملک‌زاده برخلاف اکثر مورخان در جلد اول کتابش به بیان جوادتی پرداخته که یک قرن قبل از مشروطیت اتفاق افتاده و هر یک عامل مهمی در پیدایش آن نهضت ملی بوده است. نکته قابل توجه در مورد ملک‌زاده این است که اگرچه شخصاً در انقلاب مشروطه سهم بسزایی داشته و یکی از عوامل مهم آن نهضت ملی بوده، اسمی از خود نبرده و چنین وانمود کرده که تماشاجی انقلاب بوده است. باین‌حال، ملک‌زاده را باید با اندکی تسامح در نسل اول قرار داد.

کریم طاهرزاده بهزاد: طاهرزاده بهزاد در سال ۱۲۶۷ شمسی در تبریز متولد شد. در سن ۱۹ سالگی به مشروطه‌خواهان پیوست و سپس به فرقه اجتماعيون عاميون پیوست و عضو فداییان تبریز شد. او عهده‌دار سرپرستی مدافعان سنکر محله چرنداب تبریز بود و پس از تسلیم کلیه محلات شهر به گروه محله امیرخیز به رهبری ستارخان پیوست. پس از کشته‌شدن شمار زیادی از مشروطه‌خواهان او به ناچار ایران را ترک کرد و به استانبول رفت و در رشته معماری تحصیل کرد. بعدها به برلین رفت و با افرادی همچون جمال‌زاده، رضا تربیت، تقی‌زاده و نیز کاظم‌زاده ایرانشهر در انتشار مجله «کاوه» همکاری کرد. کتاب او که درباره وقایع تبریز نوشته شده قیام آذربایجان در انقلاب مشروطیت ایران» نام دارد. این کتاب از این جهت اهمیت دارد که طاهرزاده خود عضو تشکیلات مجاهدین و از اعضای نهضت مقاومت تبریز بوده و خاصه روایت او از محاصره ده ماهه تبریز روایتی دست اول و همراه با جزئیات بسیار است. طاهرزاده نیز همچون ملک‌زاده به تسامح از نسل اول به حساب می‌آید.

۲- نسل دوم: تاریخ‌نگاران علمی

احمد کسروی: دو کتاب «تاریخ انقلاب مشروطه ایران» و «تاریخ هجده ساله آذربایجان» تأثیر بسیاری بر تاریخ‌نگاری مشروطه گذاشتند. کسروی سی سال پس از پایان مشروطه تصمیم گرفت تاریخ مشروطه را بنویسد و برای نوشتن این کتاب به پژوهشی گسترده دست زد و بیشتر منابعی را که در آن زمان در دسترس بود بررسی کرد. «تاریخ انقلاب مشروطه ایران» اثر مهم‌ترین سند

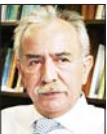
انقلاب مشروطه بود. کسروی وقتی مجله پیمان را منتشر می‌کرد، انتشار وقایع مشروطیت آذربایجان را در هر شماره پی‌گرفت. کتاب در سال ۱۳۱۹ خورشیدی به چاپ رسید. بعدها انتشارات امیرکبیر آن را در دو مجلد منتشر کرد. یکی به نام «تاریخ هجده ساله آذربایجان» و دیگری «تاریخ انقلاب مشروطه ایران». کتاب را ایوان سیگل نیز به انگلیسی ترجمه کرد. کسروی به خوبی با روش‌شناسی تاریخ‌نگاری مدرن و علمی آشنا بود اما به علت عدم دسترسی به اسناد دولتی و همچنین پرکردگی منابع و خطرات شخصی مشروطه اشتباهاتی هم کرد. روایت او به چشم می‌خورد. در «تاریخ هجده‌ساله آذربایجان» با محور قراردادن وقایع این منطقه، سیر تاریخی هجده ساله مشروطه را دنبال کرده و با همان شیوه نگارش علاوه بر روایت مستندات تاریخی پس از فتح تهران در جای‌جای کتاب به دوری رجال مشروطیت نیز پرداخته و نظراتش را به صراحت بیان کرده است. علاوه بر ارزش‌های تاریخی، کتاب تاریخ مشروطه معرف سبکی از نویسندگی است که کسروی در تاریخ‌نگاری و نشر معاصر فارسی بنیاد گذاشت. او از پیشگامان واژه‌سازی علمی در زبان فارسی بود و می‌کوشید برای اصطلاحات جدید یا نوکردن اصطلاحات قدیمی واژه‌های تازه‌ای بسازد یا باید که اغلب ریشه در ادبیات گذشته ایران داشته یا براساس قواعد زبان فارسی ساخته شده‌اند. بسیاری از تاریخ‌نگاران بعد بنادله‌روی این نوع نثر جدید او بودند. اگرچه کتاب کسروی گاه لحن گزنده‌ای دارد، تاریخ انفعال، یأس و تسلیم نیست و ترسیم‌گر چهره قهرمانان، روشنفکران آزادی‌خواه تهران و اصفهان و مجاهدان از جان گذشته آذربایجان است.

فریدون آدمیت: آدمیت را «پدر تاریخ‌نگاری نوین ایران» خوانده‌اند. او طی نزدیک به سه دهه کار پژوهشی توانست برخی از مهم‌ترین رخدادها و جریان‌های عصر مشروطه را در تقریباً ۲۵ کتاب تألیف کند و از این بابت سهمی جدی در هدفمند ساختن و نیز جهت دادن به تاریخ‌نگاری علمی ایفا کرد. آدمیت یکی از فعال‌ترین مورخان تحلیلی مشروطه است، مورخی که منظم و مکتب درباره انقلاب مشروطه نوشته است. او را پایه‌گذار «تاریخ‌نگاری» در برابر «وقایع‌نگاری» می‌دانند. آدمیت بعد از کسروی از اولین تاریخ‌نگارانی بود که به صورت مدون و با روش‌شناسی علمی کار تاریخ‌نگاری در ایران را پیش برد و از این‌رو، بسیاری کارهای او را سرآغاز تحلیل اندیشه سیاسی در ایران جدید می‌دانند. آدمیت نقش و حکومت مردم بر مردم در تاریخ‌نگاری آدمیت تفش بربرنگی داشت و از این‌رو، انقلاب مشروطه را مظهر حکومت مردم بر مردم در تاریخ جدید ایران می‌دانند. بسیاری از مورخان برجسته ایران بر این باورند که آدمیت فلسفه حکومت مردم بر مردم را از طریق تاریخ‌نگاری انقلاب مشروطه نوشته است. روش او در تاریخ‌نگاری به گفته خودش، تاریخ‌نگاری تحلیلی- انتقادی بود. صراحت کلام در قضاوت درباره وقایع و شخصیت‌های تاریخی و تأثیر عقلانیت و عقل روشنگری در تحلیل‌هایش و همچنین دقت او در شناخت، نقد و تأیید عناصر روشنفکری اصل، تاریخ‌نگاری به شیوه آدمیت را از تاریخ‌نگاری‌های رایج جدا می‌کند. از جمله آثار آدمیت درباره تاریخ مشروطه می‌توان به «فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران»، «فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت ایران»، «مقالات تاریخی»، «ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران»، «اشتگی در فکر تاریخی»، «افکار سیاسی و اجتماعی اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار»، «اندیشه ترقی و حکومت قانون» و «انحطاط تاریخ‌نگاری در ایران» اشاره کرد.

۳- نسل سوم: تاریخ‌نگاران اجتماعی

خسرو شاکری: شاکری از مورخان و محققان در حوزه مشروطه و در زمینه گروه‌ها و اندیشه پیش بود. آثار شاکری از این حیث اهمیت دارد که در قیاس با حجم نوشته‌های تاریخی که از دیدگاه لیبرالی و اسلامی به مشروطه پرداخته‌اند، تعداد آثار متعلق به تاریخ‌نگاری اجتماعی و سوسیالیستی چندان زیاد نیست. مهم‌ترین کتاب او در زمینه مشروطه کتاب «پیشینه‌های اقتصادی- اجتماعی جنبش مشروطیت و انکشاف سوسیال دموکراسی» است که با پرداختن به تاریخ مردمی به سیر تأثیرگذاری نیروی کار و طبقات محروم در انقلاب مشروطه و تأثیر این حرکت بر دیگر جنبش‌های مردمی منطقه می‌پردازد. همچنین شاکری در فصل‌هایی جداگانه به بررسی تاریخ شکل‌گیری گروه‌های سوسیال دموکرات فرقه اجتماعيون عاميون - مجاهد، گروه‌های سوسیال دموکرات ارمنی و

حزب دموکرات ایران و به مطالباتی می‌پردازد که جناح چپ مشروطه‌خواهان به جنبش تحمیل کردند. شاکری در جای‌جای کتاب با ارائه اسناد جدید روایتی را که تاکنون تاریخ‌نگاری استالینیستی با نگاهی غیرتاریخی و مطابق با منافع حزب روایت کرده بود، نقد می‌کند و انتقادات تندی به تاریخ‌نگاری استالینیستی و جعل تاریخ در دستگاه ایدئولوژیک شوروی وارد می‌کند و بر ریشه‌های یوپولیسم در چپ سنتی ایران نیز دست می‌گذارد. در این راه از اسناد مهمی استفاده می‌کند همچون اسناد محرمانه آرشيو شوروی که در سال‌های گلاسnost و فضای باز سیاسی در اواخر عمر اتحاد جماهیر شوروی به دست آمد، اسناد آرشیوهای ایرانی، آذری، ارمنی، گرجی، روسی، انگلیسی، آلمانی، فرانسوی و آمریکایی. شاکری تحقیقات دامنه‌داری درباره تاریخ ورود اندیشه‌های سوسیال‌دموکراسی به ایران و تأثیر آن در عصر مشروطه انجام داده است. نتایج این تحقیقات علاوه بر این کتاب، در کتاب «میلاد زخم: جنبش جنگل و جمهوری شوروی سوسیالیستی ایران»، «نقش ارمنه در سوسیال دموکراسی ایران» و «تقی ارانی در آینه تاریخ» ادامه می‌یابد.



ماشاءالله آجودانی: ماشاءالله آجودانی از محققان تاریخ معاصر ایران است. کتاب «مشروطه ایرانی» او یکی از آثار مهم انتقادی درباره تاریخ مشروطه است. تخصص و تحصیلات آجودانی در حوزه زبان‌شناسی این امکان را به او می‌دهد تا با بررسی تغییراتی که رخاد مشروطه در زبان و گفتار ایران ایجاد کرد مهم‌ترین دستاورد مشروطه را این گسست زبانی بداند. از نظر آجودانی مشروطه فراتر از یک رویداد سیاسی صرف بود و تاریخ‌نگاری مشروطه باید به همه جنبه‌های این رخداد از زندگی ایرانیان توجه کند. او سعی در نقد تاریخ‌نگاری تاکنون مرسوم مشروطه دارد و برخلاف سایر صاحب‌نظرانی که درباره تاریخ و فلسفه مشروطه بحث کرده‌اند، مفهوم انقلاب مشروطه را زیر سوال می‌برد، به همین دلیل هم لقب ایرانی را برای مشروطه انتخاب می‌کند تا این مقطع را از تمام نسخ انقلابی در عصر خود متمایز کند. به اعتقاد آجودانی، قبل از اینکه روحانیون مشروطه‌خواه مشروطه را مشروعیت کنند، خود روشنفکران مشروطه‌خواه همچون ملک‌خان این بیان شرعی را به وجود آوردند. در نظر او، مشروطه‌خواهان ایرانی درک درستی از مفاهیم سیاست مدرن نداشتند. او همین ساله را دلیل شکست این جنبش می‌داند. به اعتقاد آجودانی، علت‌های اصلی شکست نهضت مشروطه را نه در توطئه بیگانگان، سودجویی فرصت‌طلبان، عناد روشنفکران عرفی و خودباخته با روحانیان بلکه باید در حوزه اندیشه ایرانی و معضلات آن جست. در نظر او، خواست عدالت به ثمر نشست و حکومت مشروطه به وجود نیامد به چند دلیل: از جمله اینکه در ایران طبقات به معنای واقعی شکل نگرفته‌اند. جامعه پیشامدرن و سنتی است و دوران گذار را طی نکرده، پس هنوز طبقه شکل نگرفته و به همین دلیل روشنفکر هم نمی‌تواند نقش خود را ایفا کند، به‌ویژه در فقدان طبقه متوسط نمی‌توان در انتظار حامیان یک جنبش بود. باین‌حال، در نظر برخی از تاریخ‌نگاران اگرچه این کتاب تاحدودی توانسته فرم‌های انقلاب مشروطه را روایت کند اما نتوانسته تمام حوادث تاریخی این دوران را با نظریه تاریخی خود اثبات کند.

ژانت آفاری: آفاری از مهم‌ترین محققان و تاریخ‌نگاران اجتماعی ایران است. کتاب‌های او در حوزه تاریخ اجتماعی ایران خاصه در سال‌های انقلاب مشروطه، با نقد و بررسی بسیاری مواجه شده است. کتاب‌های آفاری به زبان انگلیسی منتشر و برخی به فارسی ترجمه شده‌اند. او کتابی مهم در حوزه تاریخ‌نگاری مشروطه دارد به نام «انقلاب مشروطه ایران» که در آن به استفاده از منابع بسیاری از جمله روزنامه‌های دوره مشروطه، بحث‌های مجلس، گزارش‌های دیپلمات‌های بریتانیا، و نوشته‌های حامیان خارجی انقلاب، نشان می‌دهد در نهضت مشروطه ایران فرهنگ‌ها و ایدئولوژی‌های مختلفی وجود داشته و علما، سوسیال‌دموکرات‌ها، آزاداندیشان، زنان، تجار، واعظان، پیشه‌وران، کارگران و دهقانان و اقوام مختلف هر کدام اثر خود را در نهضت و جهت‌گیری مشروطه گذاشته‌اند. آفاری در روایت خود به حمایت روشنفکران ضدامپریالیست و گروه‌های چپ‌گرا و آزادی‌خواه بریتانیا، فرانسه، روسیه و ترکیه از انقلاب مشروطه نیز می‌پردازد. کتاب آفاری از تقریباً دو دهه پیش تاکنون با ترجمه روض‌ضایی و از سوی نشر بیستون بارها تجدید چاپ شده است.

گفته‌ها

وقتی کاسه صبر مردم لبریز شد

● مظفرالدین‌شاه در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ فرمان مشروطه را امضا کرد. مشروطه تا دوره محمدعلی‌شاه ادامه یافت و به تشکیل مجلس شورای ملی و تصویب قانون اساسی انجامید. خبرگزاری ایبنا به مناسبت سالگرد فرمان مشروطه گفت‌وگویی با داریوش رحمانیان انجام داده که در ادامه بخش‌هایی از پاسخ‌های او را می‌خوانید.

■ ■ ■

■ انقلاب مشروطه ایران یک جنبش ریشه‌دار، مردمی و اصیل است. در آن زمان شرایط به‌گونه‌ای بود که هر دو قدرت روسیه تزاری و انگلیس در شمال و جنوب ایران بودند. انگلیس به‌واسطه مستعمره‌اش هند و نفوذی که در خلیج فارس داشت در ایران هم دارای نفوذ بود و هر دوی این قدرت‌ها می‌توانستند در رویدادهای گوناگون سیاسی منطقه اثرگذار باشند و چنین هم شد. پس از انقلاب مشروطه و صدور فرمان مشروطیت نیز از سوی روس‌ها و انگلیس‌ها اقدامات گوناگونی صورت گرفت. این دو قدرت در روند انقلاب مشروطه تأثیرگذار بودند، اما این به معنای مستقل‌نبودن این انقلاب نیست. آن قدرت‌ها اعمال نفوذ کرده و هر یک منافع‌شان را در این منطقه تعریف کرده بودند و از هر وسیله‌ای برای تشدید این بهره‌برداری در راستای منافع خودشان استفاده می‌کردند. اما نمی‌توان به این وسیله کل انقلاب مشروطه را با تفکر توطئه بررسی کرد. هیچ ایرادی ندارد که ما نظریه توطئه را به دقت و به مثابه یک نظریه علمی به کار گیریم. اما نباید مفهوم توطئه را به واقعیت تبدیل کنیم و با آن تمام پیچ‌ومهره‌های تاریخ را باز کنیم.

■ به‌طورکلی در تاریخ و جهان تاریخی آدمی هرگز نمی‌توان به رابطه‌ای یک‌سویه بین پدیده‌های اجتماعی و زندگی آدمی با بخش‌ها و پدیده‌های دیگر قائل شد. مثلاً، نمی‌توان به‌طور مستقل فهمید نارضایی اقتصادی باعث خیزش اجتماعی می‌شود یا عوامل فرهنگی و سیاسی مهم‌ترند. این قبیل رابطه برقرارکردن‌ها خطاست. همیشه مجموعه‌ای از عوامل به‌طور متقارن و هم‌زمان در پیدایش جنبش‌ها و رویدادهای تاریخی مؤثرند. عوامل اقتصادی هم یکی از آنهاست. ایران در آن زمان در وضعیت سیاسی و اجتماعی خاصی قرار داشت و حکومت عاجز از کنترل و مدیریت جامعه بود. در انقلاب مشروطه، سایه شمشیر دولت مرکزی از بسیاری از مناطق مملکت کوتاه شده بود. بخش‌های مختلفی از کشور در نارضایتی بودند و حکومت‌های محلی صرفاً از دولت مرکزی اطاعت اسمی و رسمی ظاهری می‌کردند. از نظر اقتصادی هم وضع جامعه به‌گونه‌ای بود که بخش قابل‌توجهی از مردم به دلیل مسائل اقتصادی به کشورهای همسایه نظیر قفقاز و جاه‌های نفت باکو می‌رفتند. بیت‌المال خالی بود و نوسان‌های قیمت ارز، طلا و نقره، باعث کاهش قیمت پول ایران شده بود. دولت به ورطه واگذاری امتیازهای گوناگون به خارجی‌ها افتاده بود که برخی از آنها، نظیر امتیاز تنباکو، منجر به شورش و جنبش‌های اجتماعی شد. بعد از آن، حکومت به قرض گرفتن پول از روسیه و انگلستان روی آورد و پول‌ها را خود به سفرهای خارجی می‌برد که به اقتصاد کشور لطمه زد. هم بازرگانان و هم علما و هم توده مردم به این مسئله واکنش نشان دادند. ارتجاع و اختلاس کاسه صبر مردم را لبریز کرد و مجموعه این عوامل اجتماعی و اقتصادی باعث بروز این خیزش شد که تغییر نظام استبدادی را در پی داشت.

■ در اصفهان، رشت، گیلان و تبریز، مخالفت‌ها شکل پررنگی به خود گرفتند. سپهسالار کتابانی که در ابتدا در زمره موافقان محمدعلیشاه بود و از او برای سرکوب جنبش تبریز دعوت شده بود، بعدها به مشروطه‌خواهان پیوست. بختیارهای در اصفهان نفوذ سنتی داشتند و با فرماندهی مصصام‌السلطنه، برادر سردار اسعد، توانستند شورش این خطه را در دست بگیرند و با تمهیداتی که داشتند به تهران بیایند و در فتح تهران هم نقش محوری داشتند. در کنارشان نیروهای گیلانی و حتی مجتهدان قفقازی به سرکردگی یغرم‌خان ارمنی نقش بسیار مؤثری در این کارگشایی‌ها داشتند. این گروه‌ها بعد از پیروزی مجاهدین و فتح تهران هم نقش عمده‌ای داشتند. اما مهم‌ترین مقاومت در تبریز اتفاق افتاد که خیلی زود، رهبرش، ستارخان را نیز پیدا کرد. البته در خارج از ایران هم مشروطه‌خواهان فعالیت می‌کردند. به‌عنوان مثال، در استانبول «کمیته معادلت» را تشکیل دادند که اهمیت جهانی داشت و یکی از کتاب‌هایی که اهمیت این فعالیت‌ها را به درجات مختلف نشان می‌دهد، نوشته منصور بنگداریان است با عنوان «بریتانیا و انقلاب مشروطه ایران». انقلاب مشروطه اهمیت جهانی داشت و برای بسیاری از مبارزان سیاسی در روسیه و اطراف و کناف کشور خودمان و عثمانی و اروپا اهمیت بسیاری داشت. به‌طوری‌که نام و آوازه انقلاب مشروطه در جهان پیچید و حتی نام ستارخان به‌عنوان یک قهرمان مبارز مطرح شد. گزارش‌هایش آورده بود که هدف اصلی توافق‌نامه ۱۹۰۷ این بود که جلوی حرکتی ملی گرفته شود که در منطقه شروع شده بود.